



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۳۳

جلسه: ۳۲

موضوع کلی: اعجاز قرآن

موضوع جزئی: دلالت اخبار از غیب بر اعجاز قرآن

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن؛ یعنی مسئله اخبار از غیب بود، ما جلسه گذشته درباره اخبار از غیب مطالبی را عرض کردیم و توضیح دادیم که اخبار از غیب در اینجا به معنای خبر دادن از اموری است که انسان به کمک حواس باطنی و ظاهری خودش نمی‌تواند آن را دریابد مگر به استعانت و استمداد چیزی خارج از وجود خودش.

دلالت اخبار از غیب بر اعجاز قرآن:

بحث دیگری که لازم است به آن اشاره شود این است که چرا اخبار از غیب دال بر اعجاز قرآن است و یکی از وجوه اعجاز قرآن به شمار می‌رود و چرا اگر در آیات زیادی از قرآن اخبار از غیب شده وجهی از وجوه اعجاز به شمار می‌رود؟ اگر ما چند مطلب را به هم ضمیمه کنیم این مقصود حاصل می‌شود:

یکی اینکه در خود معنای غیب تأمل کنیم که با تأمل در معنای غیب معلوم می‌شود اصولاً اخبار از غیب بدون مدد از امری خارج از قوای انسانی ممکن نیست.

دوم اینکه انسان خودش نمی‌تواند بر غیب اطلاع پیدا کند ولو اینکه همه قوای ظاهری و باطنی خودش را به کار گیرد پس نیازمند مدد از خارج است.

سوم ملاحظه این نکته که پیامبر(ص) که سواد خواندن و نوشتن نداشته و نزد کسی هم درس نخوانده بود قرآن را آورد که مشتمل بر اخبار از غیب است در حالی که چه بسا به حسب ظواهر امر امکان اخبار از غیب در او از انسان‌های دیگر کم‌تر باشد چون نه درس خوانده و نه سواد خواندن و نوشتن بلد بوده است.

ما از ضمیمه چند مطلبی که عرض شد یقین پیدا می‌کنیم که این کتاب جز از طریق مبدأ وحی و از طریق خداوند تبارک و تعالی بیان نشده و همین که اتصال به مبدأ وحی پیدا کند اعجاز است لذا خیلی مؤونه‌ای ندارد که ما اخبار از غیب را به عنوان وجهی از وجوه اعجاز معرفی کنیم.

سؤال: اخبار از غیب به عنوان یکی از وجوه اعجاز قرآن مختص به قرآن نیست و از بشر عادی هم ساخته است و انسان‌ها هم می‌توانند اخبار از غیب بدهند؟

استاد: اینکه انسان با استخدام اجنه و شیاطین یا با ریاضت‌های جسمی بخشی از قوای روحی و نفسانی خودش را قوی کند ممکن است. اگر این توانایی به واسطه ریاضت‌های جسمی ولو نامشروع ایجاد شد انسان می‌تواند اخبار از بعضی امور بدهد

و یا اینکه انسان بدون ریاضت و از طریق ارتباط با اجنه و شیاطین خبر از بعضی امور پنهانی پیدا کند ولی فرقی که با ما نحن فیه دارد این است که اگر اخبار از غیب به عنوان یکی از وجوه اعجاز قرآن معرفی شده به این خاطر است که اتصال به مبدأ وحی دارد. ولی کاری که آنها می‌کنند به نوعی می‌توان وابسته به قوای درونی آنها دانست؛ یعنی کسی که ریاضت می‌کشد قوای باطنی او قوی می‌شود و اخباری هم که راجع به بعضی از امور می‌دهد در محدوده قوای درونی اوست و این اخبار از مورد بحث خارج است چون اخبار از غیب که مورد نظر ماست عبارت است از اینکه انسان خبر از چیزهایی بدهد که قوای درونی و ظاهری او نمی‌تواند آن را کشف کند در حالی که اخباری که انسان با توسل به اجنه و شیاطین و یا از راه ریاضت می‌دهد با تمسک و مدد از قوای باطنی است که برای او حاصل می‌شود و بنده خودم این گونه افراد را مشاهده کرده‌ام که با کمک قوای باطنی خودشان اخباری می‌دهند. البته موارد زیادی هم دروغ است ولی در عین حال مواردی هم وجود دارد که انسان‌ها اخبار از اموری داده‌اند و واقع شده است اما هیچ کدام از این موارد معجزه محسوب نمی‌شود؛ چون همه این موارد با کمک قوای ظاهری و باطنی برای انسان حاصل می‌شود در حالی که اخبار از غیب در صورتی معجزه است که بدون کمک قوای ظاهری و باطنی باشد. علاوه بر آن باید به مبدأ وحی هم متصل باشد بعلاوه اگر آنچه این افراد می‌گویند را اخبار از غیب بدانیم دامنه اخبار از غیبی که توسط انسان‌ها داده می‌شود معمولاً محدود به زمان و مکانی است که در آن زندگی می‌کنند و نمی‌توانند از گذشته نسل‌های قبل و یا نسل‌های آینده خبر بدهند مضافاً بر اینکه حتمی هم نیست در حالی که دامنه اخبار از غیبی که در قرآن وجود دارد و به عنوان معجزه محسوب می‌شود محدود به زمان و مکان خاصی نیست و مانعی هم در مقابل آن نیست و وقوع آن هم حتمی است.

«والحمد لله رب العالمین»